

کیفرهای اجتماع محور در

ایالات متحد امریکا^۱

نویسنده: مایکل تونری

مترجم: مینا صدیق‌فر^۲

چکیده

کیفرهای اجتماع محور در ایالات متحد امریکا گزینه‌های متنوعی از جمله پادگان‌های اصلاحی-تربیتی، آزادی مشروط و تعلیق مراقبتی فشرده، بازداشت خانگی و نظارت الکترونیکی، مراکز گزارش روزانه، خدمات اجتماع محور و کیفرهای مالی را شامل می‌شوند. اگرچه این کیفرها در تمام ایالت‌ها اعمال می‌شوند، ولی میزان کاربردشان و نتایج حاصل از استفاده از آنها، متفاوت است. به طور عمده، این کیفرها برای مجرمانی سودمند بوده است که باید تحت برنامه‌های درمانی قرار گیرند. از طرف دیگر، در مقام مقایسه، برخی از این کیفرها مانند خدمات اجتماع محور یا کیفرهای مالی در کشورهای اروپایی نتایج قابل توجه‌تری به دست آورده و با استقبال بیش‌تری مواجه شده‌اند. هرچند عواملی چون حبس‌گرایی یا تناسب کیفر با جرم ارتكابی و طولانی‌تر بودن دوره حبس‌ها در امریکا واضح و مبرهن است، ولی نسبت به کارایی این کیفرها در پیش‌گیری از تکرار جرم باید امیدوار بود، به طوری که می‌توان گفت که اجرای صحیح آنها سودمندتر از نگهداری بزه‌کاران در زندان است.

واژگان کلیدی

کیفر، تعیین کیفر، زندان، حبس‌زدایی، کیفرهای اجتماع محور، تکرار جرم، نظارت فشرده

1. Michael tonry/community penalties in the united states in, Albecht, Hans Jorg; Kaiser Gunther; Community sanctions and Measurs in Europe and North America, Freiburg/Breisgau: EU. iuscrim Max-planck-Inst., 2002, pp.551-571.

این ترجمه توسط دکترمهرداد رایجیان اصلی ویرایش شده است.
۲. کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی از دانشگاه آزاد تهران مرکز

۱. مقدمه

به طور متقارنی درست است که بگوییم کیفرهای اجتماع‌محور در ایالات متحد آمریکا از اوایل دهه ۸۰ میلادی به منزله «جایگزین‌هایی برای حبس» مفهوم‌سازی شده و رو به افزایش گذاشته اند، و در عین حال به عنوان ابزارهایی برای جلوگیری از ورود بزه‌کاران مستحق زندان به نهادها یا مؤسسه‌های نگهداری آشکارا شکست خورده اند. این واقعیت در تقابل آشکار با وضعیت کشورهای چون انگلستان، اسکاتلند و هلند است که تحقیقات معتبر در آنها نشان می‌دهد که تقریباً نیمی از مجرمان به جای محکومیت به حبس به انجام خدمات اجتماع‌محور (کار عام‌المنفعه) محکوم می‌شوند. برای نمونه، در آلمان استفاده از کیفرهای مالی، تحمیل حبس‌های کوتاه مدت را به نحو چشمگیری کاهش داده است. وانگهی، به نظر می‌رسد که استفاده فزاینده دادستانان از بایگانی کردن مشروط پرونده^۱ (برای نمونه در آلمان) و مذاکره درباره مجازات (برای نمونه در هلند) استفاده از حبس را کاهش داده است. اکنون، می‌توان پرسید که چرا ایالت‌های آمریکا در استفاده از کیفرهای اجتماع‌محور به عنوان جایگزین‌هایی برای حبس، در مقام مقایسه، ناموفق بوده اند و آیا فقدان مقبولیت این کیفرها را می‌توان تغییر داد یا نه؟ با وجود این، نخست درباره برخی مسائل مقدماتی مربوط به نظام‌های عدالت کیفری ایالات متحد آمریکا که ممکن است بستر مناسبی برای خوانندگان غیر آمریکایی فراهم سازد بحث می‌کنیم. سپس، نتایج کلی عمده‌ای درباره اعمال مجازات‌های اجتماع‌محور از تحقیقات دو دهه اخیر را خلاصه کرده، و در نهایت، تحقیقات مربوط به هر یک از کیفرهای مهمی را که اعمال شده اند، به طور مختصر ارائه می‌کنیم.

۲. نمای کلی سازمان زندان‌ها و اقدام‌های تأمینی و تربیتی و تعیین کیفر در ایالات متحد آمریکا

ایالات متحد آمریکا دارای یک نظام فدرال مبتنی بر قانون اساسی است که



صلاحیت دولت ملی (مرکزی) با صلاحیت دولت‌های ایالتی، سرزمینی (مثلاً دولت پورتوریکو، جزایر ویرجین آمریکا^۱) و ناحیه کلمبیا (واشنگتن دی. سی) در زمینه موضوع‌های حقوق کیفری هم‌پوشی دارد. هر حوزه، نظام عدالت کیفری خود را دارد که قانون مجازات، سایر قوانین کیفری، پلیس، دادگاه‌ها، دادستانان و سازمان زندان‌ها و اقدام‌های تأمینی و تربیتی را شامل می‌شود. این بدان معناست که برخی جرائم ممکن است به موجب قوانین ملی و ایالتی تعقیب و مجازات شوند. به دلیل ویژگی خاص قانون اساسی ایالات متحد آمریکا، مسأله «قاعده منع پی‌گرد، محاکمه و کیفر دوباره» مانع پی‌گرد بر پایه هر دو قانون نمی‌شود؛ اگر چه این امر، به منزله یک مسأله عملی، فقط در موارد معروف اتفاق می‌افتد. از این مهم‌تر، بسیاری از جرائم، به ویژه قاچاق مواد مخدر و سرقت از بانک‌ها، مشمول قوانین کیفری ملی و ایالتی می‌شوند، به گونه‌ای که مجریان قانون می‌توانند تصمیم بگیرند که بر پایه کدام نظام حقوقی پرونده را تعقیب کنند.

در آمریکا چندین نظام تنبیهی وجود دارد. با وجود این، مشکل بزرگ دیگر این است که هیچ یک از این نظام‌ها دقیقاً به یک شکل سازمان‌دهی نشده‌اند. هر حوزه فقط یک قانون مجازات دارد، ولی هیچ عمومیت سازمانی فراگیر دیگری را نمی‌توان یافت. پلیس در سطوح ایالتی و محلی (بخش و شهر) سازمان‌دهی شده و طبق آخرین آمار، بیش از ۱۳۰۰۰ کارگزاری پلیس وجود دارد. در اکثر ایالت‌ها، دادستانان در سطح بخش (بیش از ۳۰۰۰ بخش) برگزیده شده و معاونان خود را انتخاب می‌کنند، هر چند در شمار اندکی از ایالت‌ها، یک دادستان کل ایالتی منتخب، دادستانان را منصوب می‌کند. دادرسان اغلب بخش‌ها نیز معمولاً حبس‌های پیش از محاکمه را برای بازداشتی‌ها و محکومان به یک سال حبس و کمتر اعمال می‌کنند. یک بخش‌دار منتخب

محلّی معمولاً ادارهٔ این زندان‌ها را به عهده می‌گیرد. هر ایالت دارای سازمان زندان‌هاست که مدیریت آن بر عهدهٔ ادارهٔ زندان‌های ایالتی است. بسته به هر ایالت، ادارهٔ زندان‌ها ممکن است دست کم، ادارهٔ زندان‌های ایالتی را بر عهده گیرد و حداکثر، به ادارهٔ زندان‌ها، بازداشتگاه‌ها یا زندان‌های کوتاه مدت، یا به اجرای تعلیق مراقبتی و آزادی مشروط بپردازد. با پیچیده‌تر شدن مسائل، در بسیاری از ایالت‌ها، بازداشتگاه‌ها و زندان‌های کوتاه مدت، زندان‌ها و مراکز تعلیق مراقبتی و آزادی مشروط به طور مجزا سازمان‌دهی می‌شوند و در برخی از ایالت‌ها، کارگزاری‌های بخشی و ایالتی برنامه‌های تعلیق مراقبتی و آزادی مشروط را اجرا می‌کنند. نکتهٔ مهم این است که ۵ تا ۱۰ هزار ادارهٔ زندان ایالتی، بخش دار، کارگزاری تعلیق مراقبتی و، آزادی مشروط ایالتی، و کارگزاری تعلیق مراقبتی و آزادی مشروط محلی، در قبال اجرای کیفی‌های اجتماع‌محور مسؤول اند.

بدین سان، در یک ایالت کارگزاری‌های مختلف روش خود را در مجازاتی واحد اعمال می‌کنند؛ برای مثال ممکن است یک بخش دار از نظارت الکترونیکی برای افرادی که مشمول قضازدایی در مرحلهٔ بازداشت پیش از دادرسی می‌شوند و آن دسته محکومان زندان کوتاه مدت که مشمول آزادی زودرس می‌شوند، استفاده کند. همچنین، یک قاضی ممکن است مجرمی را به تعلیق مراقبتی همراه با نظارت الکترونیکی محکوم نماید؛ ادارهٔ زندان ممکن است به یک زندانی مرخصی داده یا او را تحت رژیم آزادی برای کار^۲ مشمول نظارت الکترونیکی قرار دهد؛ و یک بهره‌ور آزادی مشروط ممکن است مشمول حبس خانگی همراه با نظارت الکترونیکی قرار گیرد. در نتیجه، توصیف آنچه در هر بار در هر ایالت اتفاق می‌افتد دشوار است، و پاسخ به سؤالات مفصل دربارهٔ نظام کیفی‌های

1. jail

در نظام عدالت کیفری امریکا محلی است که برای بازداشت پیش از دادرسی متهمان و نگاه‌داری محکومان به حبس‌های کمتر از یک سال مورد استفاده قرار می‌گیرد [م].

2. work release



اجتماع‌محور ایالات متحد آمریکا ممکن نیست.

۳. نتایج عمده از تحقیقات مربوط به کیفرهای اجتماع‌محور

وزارت دادگستری ایالات متحد آمریکا از یک رشته ارزیابی‌های گسترده در مورد دسته‌گسترده‌ای از کیفرهای نوپای اجتماع‌محور (که معمولاً کیفرهای بینابینی نامیده می‌شوند)، پشتیبانی کرده است. برنامه‌های ارزیابی‌شده شامل بازداشت خانگی، نظارت الکترونیکی، تعلیق مراقبتی فشرده، درمان اجباری مواد مخدر، خدمات اجتماع‌محور، مراکز گزارش روزانه، مراکز جبران خسارت و جریمه‌های روزانه می‌باشند. مجموعه دیگری از ارزیابی‌ها پادگان‌های اصلاحی-تربیتی را بررسی می‌کنند. این پادگان‌ها هر چند که کیفر اجتماع‌محور نیستند و معمولاً ضمانت‌اجراه‌های بینابینی تلقی می‌شوند، گاه به عنوان جایگزینی برای زندان‌های بلند مدت مورد استفاده قرار می‌گیرند. نتایج عمده به این شرح اند:

۳-۱. گسترش شبکه کیفری

برنامه‌های ورودی^۱ که مورد حکم دادرسان قرار می‌گیرند، به ندرت با «جایگزین‌های زندان» هم‌خوانی دارند، زیرا دادرسان ترجیح می‌دهند کسانی را به آن محکوم نمایند که در غیر این صورت به تعلیق مراقبتی محکوم می‌شدند. در نتیجه، چنین برنامه‌هایی کمتر به دیگر اهداف خود در زمینه کاهش هزینه‌های زندان‌ها و اقدام‌های تأمینی و تربیتی یا کاهش تقاضا برای فضای زندان (کاهش جمعیت زندان) دست می‌یابند. به‌ویژه، دادرسان به ندرت خواهان استفاده از خدمات اجتماع‌محور یا جریمه نقدی به جای محکومیت‌های سالب یا محدودکننده آزادی هستند و معمولاً مایل نیستند که از نظارت الکترونیکی به جز در مورد جرائم سبک و مجرمان بی‌خطر استفاده کنند. تلاش برای ایجاد روش جریمه روزانه بر اساس الگوهای آلمانی یا اسکاندیناویایی کاملاً ناموفق بوده است.

۳-۲. حبس‌زدایی^۱

در مقابل، ارجاع مجرمان حبس‌شده به برنامه‌های خروجی^۲ که به موجب آن دست‌اندرکاران سازمان زندان‌ها و اقدام‌های تأمینی و تربیتی کسانی را از میان محکومان به حبس، به این برنامه‌ها ارجاع می‌دهند، می‌تواند هزینه‌ها و تقاضا برای فضای زندان را کاهش دهد. برنامه‌های گوناگون پادگان‌های اصلاحی-تربیتی، مراکز گزارش‌روزانه، آزادی برای کار و دیگر برنامه‌ها، در این جهت استفاده می‌شوند. به دلیل مسأله گسترش شبکه کیفری، شماری از ایالت‌ها، پادگان‌های اصلاحی-تربیتی ورودی خود را دوباره سازمان‌دهی نموده‌اند؛ برنامه‌هایی که نسبت به آن، دادرسان، بزه‌کاران را به برنامه‌های خروجی‌ای ارجاع می‌دهند که نسبت به آن، دست‌اندرکاران زندان ورودی مجرمان را کنترل می‌نمایند.

۳-۳. کاهش تکرار جرم^۳

هیچ یک از برنامه‌های ورودی یا خروجی کاهش یا افزایش میزان تکرار جرم در چهارچوب بازداشت، محکومیت یا محکومیت‌های حبس را نشان نداده‌اند، اما برنامه‌های نظارت فشرده معمولاً به میزان بالاتری از تخلف‌های فنی^۴ (غیر کیفری) و میزان بالاتری از موارد لغو برنامه می‌انجامند.

۳-۴. هزینه‌های افزایش یافته

هنگامی که مسأله گسترش شبکه (بند ۱) هم‌زمان با تخلف‌های فنی افزایش یافته (بند ۳) اتفاق می‌افتد، نتیجه اغلب عبارت است از افزایش جمعیت زندان و هزینه‌های نظام عدالت کیفری. اگر بزه‌کاران محکوم به کیفرهای اجتماع‌محور شرط منع رفت و آمد را نقض کرده، انجام خدمات اجتماع‌محور را متوقف کنند، مست کرده یا شرط عدم مصرف مواد مخدر را نقض کنند، نظارت نزدیک‌تر و فشرده‌تر احتمال کشف این تخلف‌ها را بالا می‌برد. به محض کشف، اقدام‌های

1. prison diversion
2. back - end programs
3. recidivism reduction
4. technical (non-criminal) violations



تنبیهی — معمولاً لغو برنامه و حبس — اغلب اعمال می‌شوند.

۳-۵. بازپروری^۱

یافته‌های امیدوارکننده کمی درباره برنامه‌های درمانی وجود دارد. نوشتگان درمان مواد مخدر نشان می‌دهد که مشارکت در درمان، خواه داوطلبانه یا اجباری، می‌تواند مصرف مواد مخدر و جرم‌های ارتكابی توسط مصرف‌کنندگان این مواد را کاهش دهد (انجلین و همسر، ۱۹۹۰). از آنجا که داده‌های برنامه پیش‌بینی مصرف مواد مخدر (مثل مؤسسه ملی دادگری در سال ۱۹۹۴) نشان می‌دهد که نتیجه آزمایش ۵۰ تا ۷۵ درصد مرتکبان بازداشت‌شده جرائم جنائی در بسیاری از شهرها، برای مصرف اخیر خود مثبت بوده است، کیفرهای اجتماع‌محور می‌تواند به عنوان ابزاری برای درمان بزه‌کاران معتاد و نگهداری و مراقبت از آنها امیدوارکننده باقی بماند (جنردا، کالن و بونتا، ۱۹۹۴). نوشتگان درمان مواد مخدر، فرض اساسی برای جنبش «دادگاه مواد مخدر» را ایجاد می‌کند. به علاوه، ارزیابی‌های تعلیق مراقبتی فشرده و پادگان‌های اصلاحی- تربیتی نشان داده که چنین برنامه‌هایی می‌تواند مشارکت در درمان را افزایش دهد.

۳-۶. دادگاه‌های مواد مخدر

دادگاه‌های مواد مخدر در بیش از ۷۰۰ محل تأسیس شده اند که در آن، بزه‌کاران واجد شرایط در برنامه‌های درمانی اقامتی و غیر اقامتی گوناگونی تحت کنترل قضائی مستقیم قرار می‌گیرند. این مسأله مبتنی بر یافته‌های ارزیابی‌کننده درمان است که زمان در درمان بهترین عامل موفقیت است و نظارت فشرده می‌تواند مشارکت در درمان را افزایش دهد. در برنامه‌های معمول، بزه‌کاران هر هفته به دادگاه بازمی‌گردند و بازگشتی‌ها فوراً با استفاده از مجموعه‌ای از کیفرهای به تدریج فزاینده به کیفر می‌رسند.

هنوز نتایجی از ارزیابی‌های دقیق منتشر نشده است، ولی نتایج اولیه موثق است (زیرا هیچ ارزیابی اساسی هنوز در دسترس نیست). دادگاه‌های مواد مخدر

در بررسی‌های ذیل مورد بحث قرار نمی‌گیرند).

۳-۷. افکار عمومی

طیف وسیعی از پیمایش‌های افکار عمومی نشان می‌دهد بیش از آن که اکثر مأموران برگزیده، از کیفرهای اجتماع‌محور استقبال کرده یا تمایل به پذیرش این کیفرها داشته باشند، عموم مردم خواستار استفاده از کیفرهای مذکور به جای دوره‌های زندان اند. افکار عمومی به شدت حامی استفاده از ضمانت‌اجراهای سنگین (همچون پادگان‌های اصلاحی - تربیتی) یا ضمانت‌اجراهای بازپرداختی^۱ (مثل خدمات اجتماع‌محور و جبران خسارت) است، اما از ضمانت‌اجراهای خفیف (مانند جریمه نقدی و بازداشت خانگی) کم‌تر حمایت می‌کند.

۴. تجربه‌های حاصل از کیفرهای اجتماع‌محور

نوشتگان ارزیابی‌ها در اکثر بخش‌ها تردیدهایی را درباره کارایی کیفرهای اجتماع‌محور در دستیابی به اهدافی مطرح می‌کند که رواج‌دهندگان این کیفرها به طور معمول اعلام کرده اند. این بدان معنا نیست که هیچ برنامه مؤثری وجود ندارد. فقط تعداد کمی به دقت ارزیابی شده اند و بسیاری از برنامه‌های بعدی تغییر کرده اند. متخصصان مجرب زیادی بر این باور اند که برنامه‌هایشان مؤثر اند که البته برخی از این برنامه‌ها بدون تردید مؤثر بوده اند. نوشتگان ارزیابی‌ها ثابت نمی‌کند که برنامه‌ها نمی‌توانند موفق باشند، بلکه نشان می‌دهد که بسیاری از برنامه موفق نبوده اند و این که مدیران می‌توانند از تجارب گذشته بیاموزند.

نوشتگان موجود، شامل تعداد کمی ارزیابی‌های منصفانه اند که وزارت دادگستری آمریکا بوجه آنها را تأمین کرده است. شمار زیادی از این تعداد اندک نوعاً مطالعات خیلی دقیقی درباره طرح‌های محلی نبوده و تعداد زیادی از آنها توصیف‌های غیر انتقادی از برنامه‌های مبتکرانه بوده اند. تلاش‌هایی به منظور ترکیب نوشتگان ارزیابی‌های مربوط به کیفرهای اجتماع‌محور گاه با مجموعه مقاله‌های ویرایش‌شده و گاه با کتاب‌های تألیفی توسط یک یا دو نویسنده



(موریس و تنری در سال ۱۹۹۰؛ اندرسون در سال ۱۹۹۸)^۱ و گاه با مقاله‌های نشریه‌ای مفصل انجام شده اند (کلیر و براگا در سال ۱۹۹۵؛ تنری و لینچ ۱۹۹۶)^۲. کتاب مهمی در مورد تأثیر پیش‌گیری از جرم و اقدام برای کنترل آن، نیز این نوشتگان را ارزیابی کرده است (شرمن و دیگران، ۱۹۹۷، فصل ۹).

این مقاله فقط چند صفحه را به هر کیفر اجتماع‌محور اختصاص می‌دهد و بر ارزیابی‌های اساسی‌تر و مقاله‌های این حوزه تأکید می‌کند. در بعضی موارد، برای مثال در مورد تعلیق مراقبتی فشرده (پتر سیلیا و ترنر، ۱۹۹۳) و پادگان‌های اصلاحی- تربیتی (مک کنزی و پی کوئرو، ۱۹۹۴)، مقاله‌های نسبتاً جدید و مفصلی برای خوانندگانی وجود دارد که خواستار اطلاعات بیش‌تری هستند. در سایر موارد، برای مثال در مورد جریمه نقدی (هیلمن، ۱۹۹۰) و خدمات اجتماع‌محور (پیس، ۱۹۸۵)، بهترین نوشتگان، قدیمی‌تر اند؛ با وجود این، تحقیقات امریکایی نسبتاً کمی در موضوع‌هایی که ذکر شد در سال‌های اخیر وجود دارد، و آن مقاله‌ها به رغم تاریخ آنها، اکثر تحقیقات را شامل می‌شوند. ولی، در دیگر موارد، از جمله در مورد مراکز گزارش روزانه، اکثر نوشتگان موجود، توصیفی هستند و هیچ مقاله‌ای در دسترس نیست.

۴-۱. پادگان‌های اصلاحی - تربیتی

ایجاد اجماع از ارزیابی‌های مربوط به پادگان‌های اصلاحی- تربیتی^۳ برای بنیان‌گذاران و پشتیبانان این پادگان‌ها ناامیدکننده است. اگر چه این پادگان‌ها به منزله ابزار برای کاهش تکرار جرم، هزینه‌های سازمان زندان‌ها و اقدام‌های تأمینی و تربیتی و جمعیت زندان مورد حمایت واقع شده اند، اکثر آنها هیچ اثر مشخصی بر جرم‌های آینده نداشته اند و هزینه‌ها و جمعیت کیفری را افزایش داده اند (پرنٹ ۱۹۹۵؛ مک کنزی ۱۹۹۵)، اکثر این پادگان‌ها برنامه‌های ورودی‌ای بوده اند که بهره‌وران خود را از میان بزه‌کارانی بیرون می‌کشند که در غیر این

1. Morris & Tonry ؛ Anderson

2. Clear & Braga؛ Tonry & lynch

3. boot camps

صورت، به زندان فرستاده نمی‌شدند. در بسیاری از این برنامه‌ها، یک سوم تا نیمی از بهره‌وران قادر به اتمام برنامه نبوده و در نتیجه، راهی زندان می‌شدند. در اکثر موارد، نظارت فشرده به مجرمان پس از اتمام برنامه و آزادی، میزان بالاتری از تخلف‌های فنی را در مقایسه با برنامه‌های نظارت سبک‌تر به بار می‌آورند. برخی از ناظران، این نتایج ضعیف را به برنامه‌های ناکافی پس از مراقبت نسبت می‌دهند. آنان استدلال می‌کنند که گرچه محکومان پادگان‌های اصلاحی-تربیتی خود-انضباطی بهتری را می‌آموزند، و عزت نفس بالایی به دست می‌آورند، اما وقتی که به محیط سابق و هم‌قطارهای قبلی خود برمی‌گردند، این نتایج به سرعت از بین می‌روند. در نتیجه، برخی از ایالت‌ها برای ارتقای برنامه‌های پس از مراقبت خود نسبت به کسانی که این برنامه‌ها را به اتمام رسانده‌اند، تلاش کرده‌اند (بورک، هان و هیل ۱۹۹۶).

البته همهٔ خبرها بد نیستند. برنامه‌هایی که مجرمان محکوم به زندان توسط مأموران سازمان زندان‌ها برای انجام خدمات ۹۰ روزه یا ۱۸۰ روزه پادگان اصلاحی-تربیتی، به جای یک محکومیت سنتی بلند مدت، به آن برنامه ارجاع داده می‌شوند، در هزینه و فضای زندان صرفه‌جویی می‌کنند؛ هر چند این برنامه‌ها نیز اغلب با میزان بالای ناکامی و میزان بالاتری از موارد لغو و تخلف‌های فنی معمول روبه‌رو هستند. پادگان‌های اصلاحی-تربیتی در جزئیات بسیار متنوع هستند (مکنزی و پرنس، ۱۹۹۲؛ مکنزی و پی کوئرو ۱۹۹۴). برخی تا ۹۰ روز و برخی تا ۱۸۰ روز به طول می‌انجامند. در برخی از ایالت‌ها، پذیرش توسط دادرسان، و در بعضی دیگر توسط مأموران سازمان زندان‌ها کنترل می‌شود. بعضی از برنامه‌ها در وهلهٔ نخست بر انضباط و خود-کنترلی تأکید دارند؛ برخی دیگر درمان مواد مخدر و سایر موارد بازپروری را در برمی‌گیرند. برخی یک سوم بهره‌وران را و دیگر برنامه‌ها کم‌تر از ده درصد آنان را اخراج می‌کنند. اکثر برنامه‌ها معمولاً فقط مردان زیر ۲۵ سال را می‌پذیرند و اغلب موضوع مرور زمان‌های کیفر و تعقیب‌اند، هرچند استثناء‌هایی برای هر یک از این نتایج وجود دارد.



یک یافتهٔ احتمالی دربارهٔ آثار ممکن مثبت برنامه‌های بازپروری راجع به تکرار جرم شایستهٔ تأکید است. اگر چه مکنزی و همکاران او در مجموع به این نتیجه رسیدند که پادگان‌های اصلاحی - تربیتی، خود به کاهش تکرار جرم منجر نمی‌شوند، شواهدی در ایلی‌نویز، نیویورک و لوئیزیانا دربارهٔ میزان تا اندازه‌ای پایین تکرار جرم به دست آمد که با تأکیدهای بازپرورانهٔ مؤکد در آن پادگان‌های اصلاحی - تربیتی ایالتی ارتباط داشتند (مکنزی ۱۹۹۵، ص ۱۵۵). یکی از مقاله‌های جدید نشان داد: بهره‌ورانی که پس از آزادی تحت رژیم نظارت فشرده قرار می‌گیرند، در مقایسه با بزه‌کاران مشابه محکوم به آزادی مشروط یا تعلیق مراقبتی، به نظر می‌رسد که در فعالیت‌های اجتماعی سازنده‌تری (مانند کار، درمان حضوری مواد مخدر) شرکت می‌کنند.

۴-۲. نظارت فشرده (آزادی مشروط و تعلیق مراقبتی فشرده)^۱

نظارت فشرده برای بهره‌وران تعلیق مراقبتی و آزادی مشروط به منزلهٔ رایج‌ترین کیفر اجتماع‌محور سابقهٔ بلندی دارد و مورد ارزیابی جدی قرار گرفته است. برنامه‌های جاری با حجمی از دو مأمور برای ۲۵ بهره‌ور تعلیق مراقبتی، تا یک مأمور برای ۴۰ بهره‌ور تعلیق مراقبتی، معمولاً مبتنی بر منطق نظارت، هزینه و مبانی کیفر اند. نظارت فشرده موضوع ارزیابی تجربی صرفاً چند حوزه‌ای - شامل تخصیص اتفاقی مجرمان واجد شرایط به این برنامه و به هر کیفر متناسب دیگری که می‌توانست تعیین شود - بوده است.

دو تألیف جامع در مورد نوشتگان نظارت فشرده در آمریکا منتشر شده اند (ادارهٔ حسابداری عمومی ایالات متحد آمریکا، ۱۹۹۰؛ پیتر سیلیا و ترنر ۱۹۹۳) که در نتایج تفاوت‌چندانی با آنچه در این مقاله گفته شد، ندارند.

یافته‌های ارزیابی هم‌سو با یافته‌های مربوط به پادگان‌های اصلاحی - تربیتی است. برنامه‌های قضازدایی که در آن، دادرسان بر آرایش اجرای برنامه نظارت می‌کنند، تا اندازهٔ زیادی به جلب بزه‌کارانی گرایش دارند که در غیر این صورت،

1. intensive supervision (parole/probation)

به نسبت بزه‌کاران محکوم به زندان یا حبس‌های کوتاه مدت، محکومیت‌های نامحدودکننده‌تری دریافت می‌کردند. ارزیابی تجربی چند حوزه‌ای نتوانست برنامه‌های تعلیق مراقبتی فشرده را که دادرسان به دلیل امتناع از پذیرش پیامدهای نظام آزمایش‌های اتفاقی (ادار- مواد مخدر)، ورودی آن برنامه‌ها را کنترل می‌کردند، ارزیابی کند (پترسیلیا و ترنر ۱۹۹۳). همانند ارزیابی‌های پادگان‌های اصلاحی - تربیتی، ارزیابی‌های نظارت فشرده، به این نتیجه رسیدند که بزه‌کاران محکوم به تعلیق مراقبتی فشرده، نسبت به بزه‌کارانی که به مجازات‌های دیگری محکوم شدند، تکرار جرم پایین‌تری در قبال جرائم جدید ندارند، اما معمولاً (به دلیل نظارت فشرده‌تر) تخلف‌های فنی بیش‌تری را تجربه می‌کنند. تعلیق مراقبتی فشرده در برخی حوزه‌ها در افزایش شرکت بزه‌کاران در مشاوره و سایر برنامه‌های درمانی موفق بوده است (پترسیلیا و ترنر، ۱۹۹۳).

با وجود یافته‌های ناامیدکننده، تعلیق مراقبتی فشرده در بسیاری از ایالت‌ها در دهه‌های ۸۰ و ۹۰ پذیرفته شد. اغلب، این موضوع بیش‌تر به اهداف نهادی و حرفه‌ای دست‌اندرکاران تعلیق مراقبتی مستند بود، تا به اهداف مورد انتظار از برنامه‌های جدید (تورنی، ۱۹۹۰). یکی از پیمایش‌های اداره حسابداری عمومی در سال ۱۹۸۹ برنامه‌هایی را در ۴۰ ایالت و واشنگتن دی.سی. شناسایی نمود (اداره حسابداری عمومی امریکا، ۱۹۹۰؛ برن و پاتاوینا، ۱۹۹۲). در سال ۲۰۰۰، این برنامه‌ها در هر ایالتی وجود داشتند.

۳-۴. بازداشت خانگی و نظارت الکترونیکی^۱

بازداشت خانگی — که اغلب حبس خانگی نامیده می‌شود — ممکن است به عنوان یک مجازات یا یکی از شرایط تعلیق مراقبتی یا آزادی مشروط مورد حکم قرار گیرد (بال، هاف و لیلی، ۱۹۸۸). با وجود این، اکثر بزه‌کاران مشمول آن، در خانه‌های خود نمی‌مانند بلکه به آنها اجازه کار کردن یا شرکت در برنامه‌های درمانی، تحصیلی و آموزشی داده می‌شود. سرانجام، نظارت الکترونیکی گاهی —

1. house arrest and electronic monitoring



اما نه لزوماً — پشتیبان حبس خانگی می‌شود. برای مثال، رنزما^۱ گزارش می‌کند که از ۱۰/۴۵۹ نفر در آگوست ۱۹۹۰ در فلوریدا^۲، موضوع حبس خانگی قرار گرفتند که از این تعداد، ۸۷۳ نفر تحت نظارت الکترونیکی بودند. حبس خانگی به چند شکل حاصل می‌شود. برای مثال، در یکی از نخستین برنامه‌های اوکلاهما^۳ (میکام، ۱۹۸۶) زندانیان به منظور شرکت در یک برنامه حبس خانگی حکم آزادی زودرس گرفتند. در فلوریدا بزرگ‌ترین، بیش‌ترین و متنوع‌ترین برنامه‌های حبس خانگی اجرا می‌شود. بیش‌تر آنها برنامه‌هایی هستند که در آنها به دادرسان پیشنهاد می‌شود که بزه‌کاران محکوم به زندان را به کیفر دیگری محکوم نمایند. در برخی از ایالت‌ها به‌ویژه در پیوند با نظارت الکترونیکی، حبس خانگی به جای بازداشت پیش از دادرسی به کار می‌رود.

برنامه‌های حبس خانگی در ابتدای نیمه دهه ۸۰ به طور سریعی بسط و گسترش یافتند. برنامه‌های آغازین نوعاً محدود بودند (از ۳۰ تا ۵۰ بزه‌کار را شامل می‌شدند) و اغلب برای جرائم رانندگی همراه با مستی و مرتکبان جرائم مالی کوچک به کار می‌رفتند (این مطلب درباره برنامه‌های آغازین نظارت الکترونیکی نیز صادق است) (موریس و تورنی، ۱۹۹۰، فصل ۷). برنامه‌ها رشد و تکثیر پیدا کردند. بزرگ‌ترین برنامه در فلوریدا ست که در آن، ۱۳ هزار بزه‌کار در سال ۱۹۹۳ به حبس خانگی محکوم شدند (بلومبرگ، بالزو و ورید، ۱۹۹۳). برنامه‌های همراه با نظارت الکترونیکی در سال ۱۹۸۲ در هیچ جایی وجود نداشتند. ولی در سال ۱۹۸۶ در هفت ایالت و در اکتبر ۱۹۹۰، در همه ۵۰ ایالت ایجاد شدند (رنزما، ۱۹۹۲، ص ۴۶). نظارت الکترونیکی به سرعت گسترش یافت. در سال ۱۹۸۶، تنها ۹۵ بزه‌کار مشمول نظارت الکترونیکی قرار گرفتند (رنزما، ۱۹۹۲، ص ۴۱)؛ رقمی که در سال ۱۹۹۲ به ۱۲ هزار نفر افزایش پیدا کرد (باومر و مندلسون، ۱۹۹۲، ص ۵۴) و به رقم روزانه از ۳۰ هزار تا ۵۰ هزار نفر

1. Renzema
2. Florida
3. Oklahoma

در سال‌های ۱۹۹۲ و ۱۹۹۳ رسید (لیلی، ۱۹۹۳، ص ۴). این رقم تا سال ۲۰۰۰ بالغ به ۲۰۰ هزار نفر شد.

هیچ ارزیابی امریکایی دربارهٔ پیچیدگی و ظرافت بهترین برنامه‌های پادگان‌های اصلاحی- تربیتی یا تعلیق مراقبتی فشرده منتشر نشده است. یک تحلیل مربوط به داده‌های کارگزاری دربارهٔ برنامه ورودی حبس خانگی فلوریدا نشان داد که بیش‌تر بزه‌کاران از میان زندانیان هستند تا مددجویان تعلیق مراقبتی (بیردو واگنر، ۱۹۹۰). ولی، این نتیجه مبتنی بر تحلیل‌های تردیدآمیز بود. برای آگاهی بیش‌تر، ر.ک. : تورنی، ۱۹۹۶، فصل ۴). هیچ ارزیابی بزرگ مقیاس دیگری وجود ندارد. حبس خانگی همراه با نظارت فشرده موضوع مطالعات کوچک بسیار و ترکیبی از سه مطالعه در مورد پلیس ایالت ایندیانا^۱ بود (باومر، مکس فیلدر مندلسون، ۱۹۹۳). دو بررسی مهم بر ناکافی بودن تحقیق‌ها در مورد زندان‌زدایی، تکرار جرم و تأثیر هزینه‌ها تأکید کرده اند. در مورد تکرار جرم، رنژما یادآور می‌شود که بیش‌تر «تحقیقات به دلیل برخورداری از طرح‌های تحقیقی ضعیف غیر قابل تفسیر اند». جامع‌ترین بررسی می‌گوید: «ما در مورد بازداشت خانگی یا نظارت الکترونیکی خیلی کم می‌دانیم». بامر و مندلسون^۲ اعتقاد دارند که «نسبت به قابلیت ناتوان سازنده و تأمینی این ضمانت‌اجرا شاید بسیار اغراق شده است» و پیش‌بینی کرده اند که حبس خانگی اصولاً برای مجرمان کم‌خطر باید استفاده شود و نقش کمی به عنوان جایگزین حبس ایفا خواهد کرد.

۴-۴. مراکز گزارش روزانه^۳

اولین مراکز آموزش روزانه امریکایی — که در آن، بزه‌کاران روزها را تحت نظارت و شرکت در برنامه‌های درمانی و آموزشی صرف کرده و شب‌ها در جای دیگری می‌خوابند — از نیمهٔ دههٔ ۸۰ ایجاد شدند. پیش‌گامان انگلیسی در ابتدا آنها را

1. Indiana

2. Baumer and Mendelsohn

3. day- reporting centers



مراکز روزانه^۱ می‌نامیدند و اکنون مراکز تعلیق مراقبتی می‌خوانند که کار خود را از اوایل دهه ۷۰ آغاز کردند. بیش‌تر آگاهی ما از مراکز گزارش روزانه آمریکایی از نوشته‌های توصیفی به دست می‌آید. تا کنون، نوشتگان منتشرشده‌ای که یافته‌های معتبری در مورد پرسش‌های تجربی مهم در برداشته باشد، وجود ندارد. اما گزارش منتشرنشده‌ای از مؤسسه ملی دادگری^۲ موجود اند (برای نمونه، کرداک و گراهام، ۱۹۹۶). تحقیقی که برای این مؤسسه در سال ۱۹۸۶ انجام شد، ۲۲ مرکز آموزش روزانه را در هشت ایالت شناسایی کرد. بهترین مراکز شناخته‌شده (حداقل بهترین مواردی که مستند اند) در ماساچوست^۳ تأسیس شده اند. یعنی، در اسپرینگ فیلد^۴ (اداره - کلانتری بخش هامپتون^۵) و در بوستون^۶ (مرکز گزارش روزانه مرکزی).

برنامه‌ها بسیار متنوع هستند. بسیاری از برنامه‌های تأمین و تربیتی وجود دارند که در آن، بزه‌کاران زودتر از موعد از زندان یا بازداشتگاه آزاد می‌شوند. اما برخی از برنامه‌ها محکومیت‌هایی هستند که دادرسان بزه‌کاران را به آن محکوم می‌کنند، و برخی دیگر به عنوان جایگزین بازداشت موقت اعمال می‌شوند. مدت برنامه‌ها از نظر زمانی از چهل روز تا نه ماه، و محتوای برنامه‌ها بسیار متنوع است. بیش‌تر برنامه‌ها پیشرفت ساعت به ساعت هر فعالیت شرکت‌کننده را ایجاد می‌کنند. برخی با ده تماس نظارتی روزانه یا بیش‌تر، بسیار فشرده اند و تعداد کمی، نظارت الکترونیکی دائمی را شامل می‌شوند.

۴-۵. خدمات اجتماع محور^۷

خدمات اجتماع محور که در ابتدا به عنوان یکی از شرایط تعلیق مراقبتی یا مجازاتی برای جرم‌های کوچک - مانند جرم‌های راهنمایی و رانندگی - استفاده می‌شد،

1. day - centers
2. National Institute of Justice
3. Massachusetts
4. Spring field
5. Hampton county
6. Boston
7. community Service

امتیازهای فراوانی دارد، زیرا همواره با تأیید عمومی گسترده‌ای مواجه بوده (برای نمونه، دابل وایمروار، ۱۹۹۷)؛ برای مجرمان کم هزینه است؛ موجب ارزش عمومی می‌شود و تا حدی می‌تواند مقیاسی برای شدت جرائم ارتكابی باشد. از آنجا که خدمات اجتماع‌محور به عنوان یکی از جایگزین‌های زندان در ایالات متحد امریکا اهمیت ندارد، تحقیقات مهم کمی درباره کارایی آن به عنوان یک کیفر بینابینی انجام شده است (موریس و تورنی، ۱۹۹۰، فصل ۶).

تنها پروژه مستند امریکایی خدمات اجتماع‌محور توسط مؤسسه دادگری ورا^۱ اجرا شد که ابتدا در سال ۱۹۷۹ در شهر نیویورک راه‌اندازی شد. این برنامه به عنوان یک کیفر معتبر برای تکرارکنندگان جرم‌های مالی که قبلاً به تعلیق مراقبتی یا زندانی کوتاه مدت محکوم شده بودند و کسانی که با یک دوره شش ماهه زندانی کوتاه مدت یا بیش‌تر برای محکومیت کنونی خود مواجه شده بودند، طراحی شد. بزه‌کاران به ارائه هفتاد ساعت خدمات عمومی تحت نظارت مؤسسه ورا محکوم می‌شدند. به شرکت‌کنندگان گفته می‌شد که حضورشان به شدت نظارت می‌شود و کسانی که حاضر نشوند به کیفر می‌رسند. یک ارزیابی پیشرفته نشان داد که میزان تکرار جرم در نتیجه این برنامه بدون تغییر بوده، اهداف زندان‌زدایی برآورده شده و برنامه موجب صرفه‌جویی در پول مالیات‌دهندگان شده است.

۶-۴. کیفرهای مالی

کیفرهای مالی^۲ برای جرائم غیر سبک، در ایالات متحد باز هم ناگزیر رواج یافته است. نباید انکار کرد که میلیون‌ها جریمه هر سال اعمال می‌شود. جریمه‌ها در واقع تنها ضمانت‌اجرای جرائم راهنمایی و رانندگی هستند، و در بسیاری از دادگاه‌ها اغلب برای جنحه‌ها در نظر گرفته می‌شوند (هیلسمن، سیشل و ماهونی، ۱۹۸۴، کول و دیگران، ۱۹۸۷). همچنین، نمی‌توان انکار کرد که محکومان در برخی حوزه‌ها به طور معمول به پرداخت خسارت محکوم می‌شوند و در اکثر حوزه‌ها به طور معمول به پرداخت سیاهه فزاینده هزینه تعلیقی مراقبتی فشرده،

1. Vera

2. monetary penalties



آزمایش ادرار و تجهیزات نظارت الکترونیکی محکوم می‌گردند. در پیمایشی دربارهٔ مبالغ دریافتی از بزه‌کاران که در اواخر دههٔ ۸۰ انجام شد، بیش از ۳۰ هزینه و ضمانت‌اجرای مالی شناسایی شدند که توسط دادگاه‌ها، کارگزاری‌های اداری - اجرائی و تقنینی در نظر گرفته شده و اعمال شدند (مولانی، ۱۹۸۷).

این ضمانت‌اجراها معمولاً هزینه‌های دادرسی، جریمه‌های نقدی، جبران خسارت و صندوق‌های پرداخت غرامت به بزه‌دیده را شامل می‌شود و اغلب، گونه‌هایی از هزینه‌های نظارت و مراقبت را در برمی‌گیرد.

با وجود این، همان‌طور که جورج کول^۱ و همکارانش، هنگامی که نتایج پیمایش ملی دربارهٔ نگرش دادرسان در مورد جریمه‌های نقدی را جمع‌بندی کردند، گزارش دادند، مسأله این است که «در حال حاضر، دادرسان جریمه را به عنوان جایگزینی سودمند برای زندان یا تعلیق مراقبتی در نظر نمی‌گیرند» (کول و دیگران، ۱۹۸۷). اقداماتی تجربی به منظور وارد کردن جریمهٔ روزانه به ایالات متحد آمریکا انجام شده است. نخستین طرح آزمایشی که در سال‌های ۸۹ - ۱۹۸۸ در استیتن آیلند نیویورک اجرا شد، دوباره به سرپرستی مؤسسه دادگري ورا به اجرا در آمد. دادرسان، مقام‌های تعقیب و سایر پرسنل دادگاه در برنامه‌ریزی درگیر شدند و اجرای طرح به طور قابل توجهی موفق بود. بیش‌تر دادرسان، با طرح داوطلبانه جدید همکاری کردند. توزیع جریمه‌های تحمیلی به گونه‌ای تغییر کرد که نشان داد دادرسان موافق این نظام بودند، میانگین جریمهٔ تحمیلی تا ۲۵ درصد افزایش یافت، مجموع مبلغی که برای همه متهمان مورد حکم قرار گرفت به ۱۴ درصد می‌رسید و ۷۰ درصد متهمان جریمه‌های خود را کامل پرداخت کردند.

یافته‌های استیتن آیلند شامل دو توضیح مهم است. نخست، دادگاه شرکت‌کننده صرفاً به جنده‌ها رسیدگی کرده است؛ از این رو، استفاده از جریمهٔ روزانه برای جنایت‌ها آزموده نشد. دوم، قوانین موضوعهٔ قابل اجرا مجموع جریمه‌ها را برای هر اتهامی به ۲۵۰ دلار و ۵۰۰ دلار، با توجه به طبقهٔ جنده‌ها محدود ساخت، و بنا بر این، به طور ساختگی جریمه‌ها را به آن سطوح محدود کرد و مانع اعمال سودمند طرح در مورد سایر متهمان کم درآمد شد.

1. George Cole

2. Staten Island

دومین طرح ساده به مدت ۱۲ هفته در سال ۱۹۸۹ در میل واکي^۱ اجرا شد (مک دونالد، گرین و ورزلا، ۱۹۹۲) طرح‌های تأمین بودجه شده توسط اداره^۲ معاونت دادگستری از آغاز دهه ۹۰ در ایالات آریزونا^۳، کانکتیکات^۴، آیوا^۵، اورگان^۶ تثبیت شد (ترنر، ۱۹۹۲). طرح میل واکي که تنها برای تخلف‌های غیر کیفری اعمال شد به مجموعه دریافت‌های کاهش یافته‌ای انجامید و کنار گذاشته شد. طرح فونیکس که به «ارزیابی‌های مالی مربوط به واجد شرایط بودن» مشهور شد، به منزله ضمانت اجرای میان - سطحی بین تعلیق مراقبتی فشرده و غیر فشرده تلقی شد. طرح آزمایشی آیوا فقط جنبه‌ها را شامل می‌شد و طرح‌های اورگان جنبه‌ها و جنایت‌های قابل تعلیق مراقبتی را در برمی‌گرفت (به جز بخش ماریون، بزرگ‌ترین بخشی که فقط جنبه‌ها را پوشش می‌داد). تا اواسط سال ۱۹۹۸ فقط طرح فونیکس اجرا شد و بقیه طرح‌ها متوقف شدند.

مؤسسه ملی دادگری هزینه یکی از ارزیابی‌های شرکت پژوهش توسعه در مورد طرح‌های آریزونا، کانکتیکات، آیوا، اورگان را پرداخت نمود؛ به جز در فونیکس، یافته‌ها ناامیدکننده بود (ترنر و پترسیلیا، ۱۹۹۶). کتابچه اداره معاونت دادگستری به وضوح فاقد اطلاعات کافی درباره یافته‌های ارزیابی ست، اما به طور ضمنی به موفقیت محدود طرح‌ها اشاره می‌کند. «با توجه به تجربه‌های به دست آمده، تا کنون، روشن است که تأمل دقیقی باید به ایجاد جریمه‌های روزانه به منزله یک گزینه در ایالت‌های خاص معطوف شود».

۵. آیا آینده‌ای برای کیفرهای اجتماع‌محور در ایالات متحد آمریکا وجود دارد؟

به‌رغم یافته‌های به ظاهر ناامیدکننده ارزیابی‌ها مبنی بر این که بیش‌تر کیفرهای اجتماع‌محور تکرار جرم، هزینه‌های سازمان زندان‌ها و اقدام‌های تأمینی و تربیتی جمعیت زندان را کاهش نداده و هم‌زمان امنیت همگان را بالا نمی‌برند، آینده‌ای را می‌توان برای کیفرهای اجتماع‌محور تصور کرد. در این مسیر سه مانع مهم

1. Milwaukee
2. Arizona
3. Connecticut
4. Iowa
5. Oregon



وجود دارد؛ نخستین مانع که دشوارترین آنها ست عبارت است از نگرانی آمریکایی مدرن از شدت مطلق کیفرها و این نظر گسترده‌ی مرتبط که فقط کیفر حبس را در نظر می‌گیرد. میانگین طول محکومیت‌های زندان در آمریکا در مقایسه با سایر کشورهای غربی بسیار بیش‌تر است (تونری، ۱۹۹۶، جدول ۷-۱). محکومیت‌های حداقل ده، بیست و سی سال که برای جرائم مواد مخدر و جرائم خشونت بار متداول اند، در اکثر کشورها غیر قابل تصور است^۱، چنان که در مورد قوانین «سه ضربه» در دهه ۹۰ که مستلزم محکومیت‌های بلند مدت حبس یا حبس ابد برای بزه‌کارانی است که سومین بار مرتکب جرم شده اند، افزایش سریعی داشته است.

این تشدید مطلق تلاش برای طرح ریزی کیفرهای اجتماع‌محور را به این دلیل روان‌شناسانه (اگر نگوئیم سیاسی) که اندک ضمانت‌اجراهای دیگر با یک محکومیت چند ساله زندان هم اندازه و متناسب به نظر می‌رسد، عقیم می‌سازد. در مقابل، بسیاری از محکومان جرائم خشونت‌بار در سوئد، آلمان و انگلیس به جریمه نقدی، کیفرهای اجتماع‌محور یا محکومیت‌های حبس محاسبه‌شده به ماه محکوم شدند. در این کشورها از محکومیت‌های حبس که شامل ماه‌ها می‌شد با تبدیل آن به یک کیفر مالی سنگین به عنوان جایگزینی قابل تصور اجتناب می‌شود. در مقابل، بیش‌تر طرح‌های آزمایشی جریمه روزانه آمریکایی برای جنحه‌ها یا تخلف‌های غیر کیفری یا به عنوان کیفری میان تعلیق مراقبتی و ساده به کار گرفته می‌شوند. به علاوه، به استثناء طرح خدمات اجتماع‌محور نیویورک که توسط مؤسسه و راه‌اندازی شد، به جز بیش‌تر جرائم قابل گذشت، حکم‌های خدمات اجتماع‌محور معمولاً به عنوان شرایط تعلیق مراقبتی و نه کیفرهای واقعی مورد حکم واقع می‌شوند.

دومین مانع برای گسترش بیش‌تر کیفرهای اجتماع‌محور که نامربوط هم نیست، پای‌بندی گسترده به مبانی سزاواری دادگرا^۱ برای کیفر و این اندیشه ثانویه است که سنگینی کیفر باید به طور مستقیم با توجه به شدت جرم متغیر باشد. این اندیشه به رهنمودهای ایالتی تعیین کیفر و در سیاست‌هایی که کیفر را

با جرم ارتكابی و پیشینه کیفری بزه‌کار گره می‌زند، تبدیل شده است. چنین سیاست‌هایی و التزام آنها به تناسب کیفر ساده‌انگاری افزون شدیدی را در پرونده‌های مطرح شده نزد دادگاه‌ها ایجاد می‌کند. جرائمی که در بر چسب زدن سهم دارند، می‌توانند بسیار متفاوت باشند و از سرقت‌های همراه با آزار، ربودن یک کودک در زمین بازی بسکتبال تا حمله‌های باندى به بانک‌ها را شامل شوند. بزه‌کارانی که جرم مشابه مرتکب می‌شوند نیز می‌توانند بسیار متفاوت باشند؛ سارق ممکن است با تحریک آنی برانگیخته شود یا در اثر نیاز به غذا دادن به کودکی گرسنه یا نیاز مبرم به خرید مواد مخدر یا انتخابی آگاهانه برای زندگی به عنوان یک سارق مرتکب سرقت شده باشد.

کیفرها نیز متفاوت هستند. محکومیت به دو سال حبس، به رغم بر چسبی عادی، می‌تواند زندانی با حداکثر امنیت همراه با ترس و خشونت، یا پادگانی اصلاحی- تربیتی با حداقل امنیت، یا در خانه به شکل حبس خانگی، یا ترکیبی از این روش‌ها یا تلفیقی با روش‌های دیگر باشد. حتی یک کیفر ساده ممکن است به طور متفاوتی تجربه شود؛ سه سال حبس برای یک جوان بزه‌کار ممکن است مراسم‌گذاری جهت ورود به باند باشد؛ کیفر مرگ برای پیرمرد ضعیف ۷۰ ساله‌ای باشد، یا موجب فروپاشی خانواده فرد ۴۰ ساله‌ای باشد. با وجود این، التزام به اندیشه‌های تناسب جرم و کیفر فراگیر شده و نقش‌هایی را که کیفرهای اجتماع‌محور می‌تواند ایفا کند، محدود می‌سازد. اگر رهنمودها دوره دو ساله زندان برای جرم الف با پیشینه کیفری ب را تعیین کنند، نادادگرانه به نظر می‌رسد که یک بزه‌کار به خدمات اجتماع‌محور یا بازداشت خانگی محکوم شود، در حالی که فردی دیگر با همین وضعیت (با توجه به این رهنمودها) به دو سال حبس محکوم شود. این کار نادادگرانه‌تر به نظر می‌رسد که یک بزه‌کار مشمول محکومیت‌های رهنمودی دو ساله به حبس خانگی محکوم شود، در حالی که بزه‌کار دیگر محکوم به جرم خفیف‌تر متحمل محکومیت هجده ماهه زندان گردد.

التزام به تناسب جرم و کیفر در تعامل با میل وافر امروزی به کیفرهای سنگین است. اگر جرم‌های مستوجب حبس‌های ماه‌محور دیگر کشورها با حبس‌های سال‌محور در ایالات متحد آمریکا به کیفر برسند، مقایسه‌ها بین مجرمان عیان‌تر می‌شود. اگر در سوئد دو جرم، به طور معمول با دوره‌های حبس سی و شصت



روزه مورد حکم قرار می‌گیرند، تحمیل حکم جرمه روزانه بزه‌کاران خطرناک‌تر بدون توجه به آثار حبس به خانواده و شغل وی، تضادی بین مجازات ۳۰ روز حبس و جرمه ۶۰ واحدی ایجاد می‌کند. مثال را به ضمانت‌اجراهای دو و چهار ساله متحمل امریکایی تبدیل کنید. در این صورت، تضاد بین کیفر اجتماع‌محور به جای یک کیفر چهار ساله و دو ساله زندان برای کسی که به جرم خفیف‌تری محکوم می‌شود، آشکارتر می‌شود.

گسترش شبکه کیفری سومین مانع توسعه کیفرهای اجتماع‌محور است. دو راه حل وجود دارد. نخست، تغییر نظارت بر برنامه استقرار بزه‌کاران، از دادرسان به مأموران سازمان زندان‌ها هر جا که ممکن است. این کار برای برخی از برنامه‌ها مانند پادگان‌های اصلاحی- تربیتی و برخی از گونه‌های تعلیق مراقبتی فشرده و بازداشت خانگی نسبتاً ساده است و این احتمال را که چنین برنامه‌هایی به اهداف صرفه‌جویی و مهار میزان افزایش تکرار جرم در فضای زندان دست یابند، تقویت می‌کند.

ضمانت‌اجرای جایگزین باید تصمیم‌های دادرسان درباره کیفرهای اجتماع‌محور را با استفاده از رهنمودهای تعیین کیفر سامان‌دهی کند. مجموعه مهمی از ارزیابی‌ها و تحقیق‌های دیگر نشان می‌دهد که سامانه‌های رهنمودی اجرا شده و به خوبی درک شده می‌توانند الگوهای تعیین کیفر در یک حوزه را تغییر داده و میزان بالایی از مقبولیت قضائی را به دست آورند (تورنی، ۱۹۹۶، فصل‌های ۳ و ۲). با وجود این، بیش‌تر سامانه‌های رهنمودهای ایالتی فرض‌هایی را در مورد کسی که روانه زندان‌های ایالتی می‌شود و در مورد مدت آن مطرح می‌سازد. ولی، فرض‌هایی درباره محکومیت‌های غیر سالب آزادی یا گزینه‌های میان حبس و سایر ضمانت‌اجراها در نظر نمی‌گیرد. دو رهیافت موسع برای ایجاد رهنمودهای مربوط به محکومیت‌های غیر سالب آزادی آزموده شده اند (تورنی، ۱۹۹۸، فصل‌های ۳ و ۴). اولی که به نظر می‌رسد با بن بست روبه‌رو شده، عبارت است از ایجاد «واحد‌های کیفر» که در آن همه کیفرها را می‌توان نشان داد. بنا بر این، یک سال حبس ممکن است با ده واحد، یک ماه حبس خانگی با سه واحد، و یک ماه خدمات اجتماع‌محور با دو واحد برابر باشد. یک محکومیت بیست واحدی می‌تواند با هر ضمانت‌اجرائی یا با ترکیبی از ضمانت‌اجرای برابر

بیست گذرانده شود. این ایده ابتدا در اورگان اتخاذ شد، جایی که رهنمودهای تعیین کیفر، افزون بر دسته‌بندی‌های فرضی برای حبس‌های کوتاه مدت و بلند مدت، شماری از واحدهای کیفر برای هر ترکیب پیشینه جنائی را تعیین می‌کرد. ولی، اورگان هرگز سیاست‌های حاکم بر ارزش‌های واحد کیفرها را اعمال نکرد؛ همچنین، هیچ جای دیگری نبود که این ایده را اتخاذ کرده باشد.

ره‌یافت دیگر، عبارت است از ایجاد حوزه‌های مختلف یک شبکه از رهنمودها که در آن فرض‌های گوناگونی دربارهٔ انتخاب کیفرها حاکم باشد. کارولینای شمالی^۱ (رایت، ۱۹۹۷) و پنسیلوانیا^۲ چنین نظام‌هایی را در سال ۱۹۹۴ پذیرفتند. یک مجموعه از ترکیب پیشینه جنائی صرفاً متناسب با محکومیت‌های حبس فرض می‌شود؛ دومی مشمول انتخاب قضائی بین کیفرهای حبس یا ضمانت‌اجراهای اجتماع‌محور (از جمله، محکومیت‌های مجزا شامل رکن‌های هر دو ضمانت‌اجرای حبس و اجتماع‌محور) فرض می‌شود؛ سومی مشمول انتخاب میان ضمانت‌اجراهای اجتماع‌محور فشرده و غیر فشرده (یا برخی از هر دو) فرض می‌شود؛ و چهارمی مشمول فقط ضمانت‌اجراهای اجتماع‌محور غیر فشرده فرض می‌گردد. نظام‌های پنسیلوانیا و کارولینای شمالی، هر دو همراه با برنامه‌های ایالتی برای توسعه برنامه‌های کیفرهای اجتماع‌محور محلی، در پاییز ۱۹۹۴ به ثمر نشستند. نخستین نشانه‌ها عبارت‌اند از این که این برنامه‌ها به منزلهٔ ابزار افزایش استفادهٔ قضائی از ضمانت‌اجراهای بینابینی و هماهنگ‌سازی بیش‌تر استفاده از آنها، به موفقیت نسبی دست یافته‌اند (لوبیتز و کمپنین، ۱۹۹۷).

نتیجه‌گیری

تجربه‌ها تا کنون نتایج کلی‌ای دربارهٔ کیفرهای اجتماع‌محور را به اثبات رسانده‌اند. نخست، برای بزه‌کارانی که معرف خطر غیر قابل قبولی از خشونت نیستند، کیفرهای اجتماع‌محوری که خوب مدیریت می‌شوند، راه سودآورتری از زندان برای نگهداری آنها در اجتماع بدون دورنمای بدتری از مجرمیت ارائه می‌کنند. دوم، کیفرهای اجتماع‌محور زمانی که دادرسان بر ورود جمعیت کیفری

1. North Carolina
2. Pennsylvania



نظارت می‌کنند، تا اندازه‌ی بسیاری در برابر گسترش شبکه‌ی کیفری آسیب‌پذیر اند. رهنمودهای تعیین کیفر ممکن است قادر باشند این مشکل را با اتخاذ ملاک‌هایی برای تصمیم‌دادرسان کاهش دهند، و برای برخی از کیفرها اختیار قضائی بر پذیرش آن ضمانت‌اجراها می‌تواند از دادرسان ناظر بر برنامه‌های ورودی، به مأموران سازمان زندان‌ها که ناظر بر برنامه‌های خروجی اند، تغییر پیدا کند. سوم، خدمات اجتماع‌محور و کیفرهای مالی به شکل تأسف‌باری در آمریکا پیشرفتی حاصل نکرده و درس‌های زیادی در این زمینه می‌توان از اروپا آموخت.

چهارم، کیفرهای اجتماع‌محور شاید به منزله‌ی جایگزین حبس مورد استفاده‌ی گسترده قرار بگیرند مگر این که نظریه‌ها و سیاست‌های تعیین‌کننده وسیع‌تر شده و از ایده‌های ساده‌باورانه درباره‌ی تناسب کیفر و جرم فاصله بگیرند. پنجم، کیفرهای اجتماع‌محور ممکن است به منزله‌ی راهی برای وارد شدن بزه‌کاران به برنامه‌های مواد مخدر و دیگر برنامه‌های درمانی و نگهداری آنان در آن برنامه‌ها به نظر آیند.

متأسفانه، «سیاست‌های قانون و نظم» در ایالات متحد پر حرارت و خوش‌بینانه باقی می‌مانند، و در سطح فدرال و در بسیاری از ایالت‌ها، قانون‌گذاران و دیگر دست‌اندرکاران منتخب — به‌ویژه دادستانان محلی — به رواج دادن و اتخاذ سیاست‌های عوام‌فریبانه و سرکوب‌گرانه ناظر بر شدت کیفرها که در دیگر کشورهای غربی ناشناخته اند ادامه می‌دهند (بکت، ۱۹۹۷، ویندلشام، ۱۹۹۸). تلاش برای اتخاذ سیاست‌های عقلانی تعیین کیفر و کیفرهای اجتماع‌محور مؤثر با سیاست‌های قانون و نظم هم‌زیستی کرده و شاید تا زمان تغییر فضای سیاسی، مورد پشتیبانی مالی قرار نگرفته و به طور کاملی تحقق نیابند. وقتی آن زمان فرا رسید، جامعه به منظور توسعه‌ی سیاست‌های مؤثرتری که اتکای کم‌تری بر حبس داشته و بر عکس، بیش‌تر به برنامه‌های درمانی طراحی شده برای توانمندسازی بزه‌کاران به زندگی بهتر و قانون‌پذیری متکی بوده و مبتنی بر برنامه‌های سنگین ولی راه‌گشایی مانند جبران خسارت، خدمات اجتماع‌محور و آزادی مشروط برای کار باشند، تلاش خواهد کرد.

فهرست منابع

- ALBERECHT, H-J; **Sentencing and Punishment in Germany**. In M. Tonry & K. Hatlestad, *Sentencing Reform in Overcrowded Times*, Oxford. New York 1997, 181-87.
- ANDERSON, D.C; **Sensible Justice: Alternatives to Prison**. New Press. New York 1998.
- ANGLIN, D. & Y-I. HSER; **Treatment of Drug Abuse**. In M. Tonry & J. Q. Wilson, *Drugs and Crime*, University of Chicago Press. Chicago 1990, 393-460.
- BAIRD, S.C. & D. WAGNER; **Measuring Diversion: The Florida Community Control Program**. *Crime and Delinquency* 36 (1990) 112-25.
- BALL, R. A., C. R. Huff & J.R. LILLY; **House Arrest and Correctional Policy**. Sage. Newbury Park, California 1988.
- BAUMER, T. L., M.G. MAXFIELD & R. I. MENDELSON; **A Comparative Analysis of Three Electronically Monitored Home Detention Programs**. *Justice Quarterly* 10 (1993), 121-42.
- BAUMER, T. L. & R. I. MENDELSON; **Electronically Monitored Home Confinement: Does It Work?** In J.M. Byrne, A. J. Lurigio & J. Petersilia, *Smart Sentencing: The Emergence of Intermediate Sanctions*. Sage. Newbury Park, California 1992.
- BECKETT, K; **Making Crime pay: Law and Order in Contemporary American Politics**. Oxford. New York 1997.
- BLOMBERG, T. G., W. BALES & K. REED; **Intermediate Punishment: Redistributing or Extending Social Control?** *Crime, Law, and Social Change* 19 (1993), 187-201.
- BUREAU OF JUSTICE ASSISTANCE; **National Assessment of Structured Sentencing**. US Department of Justice, Bureau of Justice Assistance. Washington, DC 1996.
- BURNE, J. M., A. J. LURIGIO & J. PETERSILIA, eds; **Smart Sentencing: The Emergence of Intermediate Sanctions**. Sage. Newbury Park, California 1992.
- BYRNE, J.M. & A. PATTAVINA.: **The Effectiveness Issue: Assessing What Works in the Adult Community Corrections System**. In J. M.

ضمیمه:

لایحه مجازات‌های اجتماعی جایگزین زندان

فصل اول - مواد عمومی

ماده ۱- مجازات‌های اجتماعی جایگزین زندان که شامل دوره مراقبت، خدمات عمومی، جزای نقدی روزانه و محرومیت موقت از حقوق اجتماعی می‌باشد، با مشارکت مردم و نهادهای مدنی به شرح مواد این قانون، اعمال می‌گردد.

تبصره - مجازات‌های یاد شده، با ملاحظه نوع و خصوصیات جرم ارتكابی، شخصیت و پیشینه کیفری مجرم، دفعات ارتكاب جرم، وضعیت بزه‌دیده، آثار ناشی از ارتكاب جرم و سایر اوضاع و احوال و جهات مخففه تعیین می‌شود.

ماده ۲- در کلیه مجازات‌های مقرر قانونی، توأم بودن سایر مجازات‌ها با حبس، تأثیری در اجرای مجازات‌های اجتماعی جایگزین زندان نداشته و همچنین در این موارد صدور حکم به مجازات‌های اجتماعی جایگزین زندان، مانع از اعمال همزمان سایر مجازات‌های مقرر قانونی نمی‌باشد.

ماده ۳- در جرم‌های عمدی که حداکثر مجازات قانونی آنها تا شش ماه حبس است، تعیین مجازات اجتماعی جایگزین برای حبس الزامی است، مگر در موارد زیر که تعیین آن در اختیار دادگاه می‌باشد:
الف- وجود پیشینه محکومیت قطعی بیش از یک فقره به ارتكاب جرم‌های عمدی که حداکثر مجازات قانونی آنها تا شش ماه حبس یا جزای نقدی یا شلاق تعزیری است، به شرط آنکه از پایان اجرای محکومیت اخیر بیش از دو سال نگذشته باشد.

ب- وجود پیشینه محکومیت قطعی به ارتكاب جرم‌های عمدی که حداکثر مجازات قانونی آنها بیش از شش ماه حبس یا حد یا قصاص یا بیش از یک پنجم دیه کامل است، به شرط آنها از پایان اجرای محکومیت اخیر بیش از سه سال نگذشته باشد.

ماده ۴- در جرم‌های عمدی که حداکثر مجازات قانونی آنها بیش از شش ماه تا دو سال حبس است، دادگاه می‌تواند حکم به مجازات اجتماعی جایگزین برای حبس بدهد، مگر در موارد زیر که تعیین این نوع مجازات‌ها امکان‌پذیر نمی‌باشد:

الف- وجود پیشینه محکومیت قطعی بیش از یک فقره به ارتكاب جرم‌های عمدی که حداکثر مجازات قانونی آنها تا شش ماه حبس یا جزای نقدی یا شلاق تعزیری است، به شرط آنکه از پایان اجرای محکومیت اخیر بیش از دو سال نگذشته باشد.

ب- وجود پیشینه محکومیت قطعی به ارتكاب جرم‌های عمدی که حداکثر مجازات قانونی آنها بیش از

شش ماه حبس یا حد یا قصاص یا بیش از یک پنجم دیه کامل است، به شرط آنکه از پایان اجرای محکومیت اخیر بیش از سه سال نگذشته باشد.

ج - ارتکاب جرمهای عمدی متعدد در صورتی که مجازات قانونی یکی از آنها بیش از دو سال حبس باشد. ماده ۵- چنانچه محکوم علیه در مدت اجرای مجازات اجتماعی جایگزین زندان، به اتهام جرم جدید بازداشت یا محکوم به حبس شود، باقیمانده مجازات اجتماعی پس از اتمام دوره بازداشت یا حبس اجراء خواهد شد.

ماده ۶- در جرمهای غیر عمدی، تعیین مجازاتهای اجتماعی جایگزین زندان، الزامی است، مگر در مواردی که حداکثر مجازات قانونی جرم بیش از دو سال حبس باشد که در این صورت، تعیین مجازاتهای اجتماعی جایگزین حبس برای دادگاه اختیاری است.

ماده ۷- در جرمهای عمدی و غیر عمدی که حداقل مجازات قانونی آنها کمتر از نود و یک روز حبس است، دادگاه نمی تواند حکم به حبس کمتر از نود و یک روز بدهد. در این موارد، دادگاه به مجازات اجتماعی جایگزین برای حبس حکم می دهد.

ماده ۸- در مواردی که قانونگذار نوع و میزان تعزیر را معین نکرده و نیز در صورتی که مجازات قانونی جرمی تنها شلاق تعزیری است، دادگاه می تواند حکم به مجازات اجتماعی جایگزین زندان صادر کند.

ماده ۹- در جرائمی که مجازات قانونی آنها بیش از دو سال حبس می باشد، در صورت تخفیف مجازات به کمتر از دو سال، استفاده از مجازاتهای اجتماعی جایگزین حبس امکان پذیر نخواهد بود.

ماده ۱۰- دادگاه نمی تواند به بیش از یک مجازات اجتماعی جایگزین حبس موضوع این قانون حکم دهد، مگر در مواردی که در این قانون تصریح شده است.

ماده ۱۱- در جرمهای عمدی که حداکثر مجازات قانونی آنها تا شش ماه حبس و نیز در جرمهای غیر عمدی که حداکثر مجازات قانونی آنها تا دو سال حبس است و جرائم مذکور واجد جنبه عمومی نیز می باشد، در صورتی که متهم یا محکوم علیه خسارتهای وارده به بزهدیده را جبران کرده یا موجبات گذشت بزهدیده - اعم از شخص حقیقی و حقوقی - را فراهم نماید، این امر موجب تخفیف مجازات اجتماعی جایگزین زندان از سوی قاضی صادر کننده حکم خواهد بود.

ماده ۱۲- به منظور اجرای مجازاتهای موضوع این قانون و پیگیری و نظارت بر آنها، حسب نیاز شعبه یا شعباتی از اجرای احکام کیفری تحت عنوان «اجرای احکام مجازاتهای اجتماعی جایگزین زندان» این امر را بر عهده خواهند داشت.

تبصره - قاضی اجرای مجازات اجتماعی جایگزین زندان می تواند حسب مورد پیشنهاد تشدید یا تبدیل یا تخفیف مجازاتهای مزبور را وفق مقررات این قانون، به قاضی صادر کننده رأی بدهد.

ماده ۱۳- قاضی اجرای مجازات اجتماعی جایگزین زندان، به تعداد کافی مددکار اجتماعی و مأمور مراقبتی در اختیار خواهد داشت.

فصل دوم - دوره مراقبت

ماده ۱۴- دوره مراقبت دوره ای است که طی آن دادگاه فرد را با رعایت شرایط یاد شده در ماده (۱) این قانون، حداکثر سه سال به اجرای یک یا چند مورد از دستورهای زیر محکوم می نماید:

- ۱- اقامت در محل معین.
- ۲- منع اقامت یا تردد در محل یا محل های معین.
- ۳- حرفه آموزی یا گذراندن دوره های آموزشی و مهارتی.
- ۴- ارائه خدمات به بزهدیده در جهت رفع یا کاهش آثار زیانبار مادی یا معنوی ناشی از جرم یا رضایت بزهدیده.



- ۵- معرفی نوبه‌ای خود به شخص یا مقام یا مرکز و یا نهادهایی که دادگاه تعیین می‌کند.
- ۶- خودداری از تجاهر به ارتکاب محرمات و ترک واجبات.
- ۷- ترک معاشرت با اشخاصی که دادگاه معاشرت با آنها را برای محکوم‌علیه مضر تشخیص می‌دهد یا منع اشتغال به کارهای معینی که زمینه ارتکاب جرم را فراهم می‌کند.
- ۸- الزام به فراگیری آداب معاشرت خانوادگی و اجتماعی و پایبندی به آن.
- ۹- اقدام به درمان اختلالات روانی - رفتاری و جسمانی خود.
- تبصره - دادگاه می‌تواند با توجه به ملاحظات شغلی و وضعیت محل سکونت، فرد را از پانزده روز تا حداکثر شش‌ماه در روزها یا ساعت‌های مشخص به حبس در منزل محکوم کند. مدت حبس مزبور در هر صورت نباید از دو شبانه‌روز یا چهل‌وهشت ساعت در هفته تجاوز کند.
- ۱۵- چنانچه محکوم‌علیه از اجرای دستورهای تعیین شده دادگاه خودداری نماید، برای بار نخست با تصمیم قاضی اجرای مجازات اجتماعی جایگزین زندان، حداکثر تا شش‌ماه بر دوره مراقبت او افزوده خواهد شد و در صورت تکرار، بنا به پیشنهاد قاضی مزبور و تصمیم دادگاه صادرکننده حکم اولیه با رعایت تناسب جرم ارتكابی و مجازات مقرر قانونی برای آن و مدت دوره مراقبت طی شده، به جای دوره مراقبت تعیین شده به مجازات مقرر قانونی محکوم خواهد شد. در صورت تبدیل حکم به حبس، مدت حبس مورد اشاره در هر حال از حداکثر مجازات حبس مقرر قانونی برای آن جرم و نیز از مدت باقی مانده دوره مراقبت بیشتر نخواهد بود.
- تبصره ۱- در صورتی که امکان اجرای دستور یا دستورهای دادگاه به هر دلیل وجود نداشته باشد، دستورهای صادره باید پس از رفع مانع اجراء گردد.
- تبصره ۲- در صورتی که رعایت دستورهای تعیین شده حاکی از اصلاح در رفتار محکوم‌علیه باشد، قاضی اجرای مجازات اجتماعی جایگزین زندان می‌تواند تنها برای یک بار باقی‌مانده دوره مراقبت را حداکثر تا نصف آن کاهش داده یا صرفاً از برخی دستورهای تعیین شده صرف‌نظر کند.
- ماده ۱۶- دادگاه ضمن صدور حکم به دوره مراقبت، آثار پیروی نکردن از دستور یا دستورهای دادگاه را به صراحت در دادنامه قید و به محکوم‌علیه تفهیم می‌کند.
- ماده ۱۷- قاضی اجرای مجازات اجتماعی جایگزین زندان با توجه به نوع جرم ارتكابی، شخصیت محکوم‌علیه و دستورهایی که دادگاه تعیین کرده، ضمن صدور برگ اجرائیه، چگونگی مراقبت و نظارت مددکار اجتماعی بر محکوم‌علیه را مشخص خواهد کرد.
- تبصره ۱- محکوم‌علیه باید قاضی اجرای مجازات اجتماعی جایگزین زندان را از تغییر شغل، محل اقامت و نیز جابه‌جایی خود برای فراهم نمودن امکان مراقبت آگاه نماید.
- تبصره ۲- ضوابط مربوط به چگونگی مراقبت و نظارت مددکار اجتماعی بر محکوم‌علیه تابع دستورالعملی است که مطابق این قانون و سایر قوانین مربوط بنا به پیشنهاد ریاست قوه قضائیه به تصویب هیأت وزیران می‌رسد.
- ماده ۱۸- هرگاه محکوم‌علیه دستورهای دادگاه را در ضمن دوره مراقبت رعایت نماید، آثار محکومیت کیفری وی خودبه‌خود زایل و از سبج کیفری وی محو می‌شود، مگر در خصوص محکومینی که مشمول ماده (۱۵) این قانون باشند.

فصل سوم - خدمات عمومی

- ماده ۱۹- خدمات عمومی موضوع این قانون، خدماتی است که محکوم‌علیه بدون دریافت دستمزد به حکم دادگاه به نفع جامعه انجام می‌دهد. دادگاه باتوجه به نوع جرم، سن و جنس، توانایی جسمانی، روانی و شغل و مهارت وی، به انجام خدمات عمومی حکم می‌دهد.
- تبصره ۱- رضایت محکوم‌علیه به انجام خدمات عمومی و نوع خدمت ضروری است.

تبصره ۲- حکم به انجام خدمات عمومی در مورد اشخاص زیر پانزده سال ممنوع می‌باشد.

ماده ۲۰- ساعتها و مدت خدمات عمومی به شرح زیر خواهد بود:

الف- در جرمهایی که حداکثر مجازات قانونی آنها تا شش‌ماه حبس یا شلاق تعزیری است، از نود تا یکصدوشتاد ساعت در جرمهایی که حداکثر مجازات قانونی آنها بیش از شش‌ماه تا دو سال حبس است از یکصدوشتاد تا هفتصدویست ساعت خواهد بود.

ب- مدت انجام خدمات عمومی حداکثر دو سال است.

تبصره- چگونگی انجام خدمات عمومی نباید به گونه‌ای باشد که مانع کسب و کار محکوم‌علیه باشد. در هر حال، ساعت‌های خدمات عمومی برای افراد غیرشاغل بیش از هشت ساعت کار روزانه و برای افراد شاغل مجموع ساعت‌های کاری آنان و ساعت‌های خدمات عمومی بیش از دوازده ساعت کار روزانه نخواهد بود.

ماده ۲۱- پس از صدور حکم مبنی بر انجام خدمات عمومی، پرونده محکوم‌علیه برای قاضی اجرای مجازات اجتماعی جایگزین زندان فرستاده می‌شود تا با رعایت مفاد این قانون و حکم صادره، محل و چگونگی انجام کار را در برگه اجرائیه مشخص کند.

تبصره ۱- محکوم‌علیه باید قاضی اجرای مجازات اجتماعی جایگزین زندان را از تغییر شغل، محل اقامت و نیز جابه‌جایی خود برای فراهم نمودن امکان مراقبت آگاه نماید.

تبصره ۲- اجرای خدمات عمومی باید به گونه‌ای باشد که قوانین و مقررات مربوط در خصوص شرایط کار زنان و نوجوانان، محافظت فنی و بهداشت کار و ضوابط کاری سخت و زیان‌آور رعایت شود.

ماده ۲۲- قاضی اجرای مجازات اجتماعی جایگزین زندان می‌تواند بنا به وضع جسمانی و نیاز به خدمات پزشکی یا معذوریتهای خانوادگی و مانند آنها، انجام خدمات عمومی را به طور موقت و حداکثر تا سه‌ماه در طول دوره، تعلیق کرده یا تبدیل آن را به مجازات اجتماعی جایگزین زندان دیگر به دادگاه صادرکننده حکم پیشنهاد کند.

ماده ۲۳- هرگاه محکوم‌علیه بدون عذر موجه از انجام خدمات عمومی یا از شرایط مقرر برای انجام آن کار خودداری کند، برای بار نخست حداکثر تا نود ساعت به ساعت‌های انجام خدمات عمومی وی افزوده شده و در صورت تکرار، بنا به پیشنهاد قاضی اجرای مجازات‌های اجتماعی جایگزین زندان و تصمیم دادگاه صادرکننده حکم اولیه با رعایت تناسب جرم ارتكابی و مجازات مقرر قانونی و مدت دوره خدمات طی شده، به جای خدمات عمومی تعیین شده به مجازات مقرر قانونی محکوم خواهد شد. در صورت تبدیل حکم به حبس، مدت حبس مورد اشاره در هر حال از حداکثر مجازات حبس مقرر قانونی برای آن جرم و نیز از مدت باقی‌مانده دوره خدمات عمومی بیشتر نخواهد بود.

ماده ۲۴- انواع خدمات عمومی، فهرست دستگاههای اجرائی و نهادها، مؤسسات عمومی غیردولتی پذیرنده محکومان به انجام خدمات عمومی، چگونگی همکاری آنان به قاضی اجرای مجازات اجتماعی جایگزین، کیفیت خدمات عمومی که محکوم‌علیه انجام می‌دهد و چگونگی نظارت بر آن، مطابق آیین‌نامه‌ای است که بنا به پیشنهاد رئیس قوه قضائیه به تصویب هیأت وزیران می‌رسد.

فصل چهارم - جزای نقدی روزانه

ماده ۲۵- دادگاه با توجه به درآمد محکوم و در نظر گرفتن هزینه‌های زندگی وی و نیز شدت جرم ارتكابی، به ترتیب زیر حکم به پرداخت جزای نقدی روزانه صادر می‌کند:

الف- شمار روزهای پرداخت جزای نقدی در جرمهایی که مجازات قانونی آنها شلاق تعزیری یا حداکثر تا شش‌ماه حبس است، از ده تا صدوشتاد روز و در جرمهایی که حداکثر مجازات قانونی آنها بیش از شش‌ماه تا دو سال حبس است، از صدوشتاد تا سیصدوشتاد روز است، که متناسب با مجازات مقرر قانونی تعیین خواهد شد.



ب- حداکثر میزان جزای نقدی روزانه یک چهارم درآمد روزانه محکوم علیه است.
ماده ۲۶- در صورت تقسیط جزای نقدی روزانه در حکم دادگاه، محکوم علیه باید در پایان هر ماه حداکثر ظرف ده روز آن را بپردازد. هرگاه محکوم علیه در مهلت مقرر بدون عذر موجه آن را پرداخت نکرد، بنا به پیشنهاد قاضی اجرای مجازات اجتماعی جایگزین زندان و تصمیم دادگاه صادرکننده حکم اولیه، به ازای روزهای باقی‌مانده حبس می‌شود. دادگاه ضمن صدور حکم این ترتیب را به صراحت ذکر و به محکوم علیه تفهیم می‌نماید.
ماده ۲۷- در صورتی که پرداخت نکردن جزای نقدی روزانه در مهلت مقرر ناشی از عذر موجهی باشد، قاضی اجرای مجازات اجتماعی جایگزین زندان مهلت دیگری برای پرداخت می‌دهد یا تبدیل آن را به مجازات اجتماعی جایگزین دیگر به دادگاه صادرکننده حکم پیشنهاد می‌کند.

فصل پنجم - محرومیت از حقوق اجتماعی

ماده ۲۸ - دادگاه می‌تواند با رعایت شرایط یاد شده در ماده (۱) این قانون، محکوم علیه را برای مدت معین به شرح زیر از یکی از حقوق اجتماعی محروم کند:

- ۱- انفصال از مشاغل دولتی و مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی تا شش‌ماه.
 - ۲- منع از اشتغال به شغل یا کسب یا حرفه معین مربوط تا یک سال.
 - ۳- محرومیت از دریافت جواز یا پروانه فعالیت و عناوین مشابه آن تا پنج‌سال.
 - ۴- محرومیت از عضویت در هیأت مؤسس و هیأت مدیره شرکتهای تجاری و همچنین محرومیت از مدیریت عامل آنها تا سه سال.
 - ۵- محرومیت از معامله با دستگاههای دولتی و نهادها و مؤسسات عمومی غیردولتی یا شرکت در مزایده و مناقصه دولتی تا پنج سال.
 - ۶- قطع همه یا بخشی از سهمیه‌های دولتی تا یک سال.
 - ۷- محرومیت از حق انتخاب شدن در انتخابات ریاست جمهوری، مجالس شورای اسلامی و خبرگان و همچنین عضویت در کلیه انجمنها، شوراهای جمعیت‌هایی که اعضای آن به موجب قانون انتخاب می‌شوند تا پنج‌سال.
 - ۸- محرومیت از رانندگی تا سه‌سال.
 - ۹- مسدود کردن حسابهای معین یا محرومیت از افتتاح حساب جاری و یا محرومیت از دریافت تسهیلات و اعتبارات بانکیها و سایر مؤسسه‌های مالی تا سه سال.
 - ۱۰- محرومیت از حمل سلاح یا استفاده از پروانه شکار و توقیف پروانه و در صورت لزوم ضبط سلاح تا دو سال.
 - ۱۱- اخراج اتباع بیگانه از کشور و منع ورود آنان به ایران تا پنج‌سال.
 - ۱۲- منع خروج اتباع ایرانی از کشور تا شش‌ماه.
- تبصره ۱- دادگاه ضمن صدور حکم دلایل سنخیت و تناسب میان جرم ارتكابی و محرومیت مورد حکم را در دادنامه بیان می‌کند.
- تبصره ۲- دادگاه می‌تواند با توجه به جرم ارتكابی، شخصیت مرتکب و اوضاع و احوالی که جرم در آن واقع شده و برای جلوگیری از ارتكاب دوباره جرم، یکی از محرومیت‌های موضوع این ماده را به سایر مجازات‌های اجتماعی بیفزاید.
- ماده ۲۹- در صورت تخلف محکوم علیه از اجرای محرومیت اجتماعی، برای بار نخست با تصمیم قاضی اجرای مجازات اجتماعی جایگزین زندان، تا یک دوم حداکثر مدت مقرر برای آن محرومیت بر مدت آن افزوده خواهد شد. در صورت تکرار، چنانچه قاضی مزبور تعیین سایر مجازات‌های اجتماعی جایگزین زندان را مناسب نداند، بنا به پیشنهاد وی و تصمیم دادگاه صادرکننده حکم اولیه با رعایت تناسب جرم ارتكابی و مجازات مقرر

قانونی و مدت دوره محرومیت طی شده، به جای محرومیت تعیین شده، حسب مورد به مجازات مقرر قانونی محکوم خواهد شد.

فصل ششم - مواد متفرقه

ماده ۳۰- مجازاتهای مربوط به جرائم امنیتی و همچنین مجازاتهای مذکور در قانون مجازاتهای جرائم نیروهای مسلح از شمول این قانون مستثنی می‌باشد و مجازاتهای جایگزین زندان و سایر مقررات مربوط به نحوی خواهد بود که در قوانین مربوط ذکر شده است.

ماده ۳۱- ملاک تجدیدنظرخواهی از حکم محکومیت به مجازاتهای اجتماعی جایگزین زندان، مجازات قانونی آن جرم است.

ماده ۳۲- احکام قطعی صادره پیش از لازم‌الاجراء شدن این قانون، از شمول آن خارج می‌باشند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پڙهڻ شڪاھ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

الخلاصات
